

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز: ۱. نمی‌دانم چرا اکثر علما و سخنران های ما در تعریف دین و سلوک فقط بر جنبه فردی (رعایت حلال و حرام؛ یا بحث استاد و چله رفتن و....) تاکید دارند. مگر نباید این سلوک فردی در جامعه نقش داشته باشد؟ ۲. مگر سلوک اجتماعی (کار برای جلو بردن انقلاب و رسیدن به امام زمان) بالاتر از سلوک فردی نیست؟ ۱. چرا علما در زمان و سلوک آیت الله قاضی ها مانده اند؟ آیا جوان ما با این سلوک جلو می‌رود به راستی سلوک فردی به تنهایی چقدر می‌تواند در تعالی یک شخص در این زمان موثر باشد؟ ۴. مگر ما استادی بالاتر از این انقلاب و رهبر در این تاریخ داریم؟ ۵. چه شده است که در تعریف اهل بیت فقط به گفتن تاریخ و ذکر مصیبت اکتفا می‌کنیم؟ پس برای ما چه گفته اند؟ هدف چه بود؟ جوان ما چه کسی را الگوی خویش بداند؟ ۶. تا کی می‌خواهیم در بی تاریخی زندگی کنیم. چرا نباید به لسان جوانان صحبت نکرد؟ ۷. به راستی که هر کس رابطه دلی با این انقلاب و رهبر ندارد در چه جهانی و با کدام خدا هم کلام است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- نکته مهمی را متذکر می‌شوید. عرایضی در کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» شده است. آری! در آن شرایط که شیعه در موضع حکومت نبود، بیشتر در موضوعات و وظایف فردی باید تذکر داده می‌شد. ولی امروز که به گفته حضرت امام بسیجیان واقعی ره صدساله را یک‌شبه طی می‌کنند، در کنار سلوک فردی، سلوک اجتماعی و فرهنگ مقابله با استکبار بسیار کارساز است. ۲. در این مورد خوب است به جواب سؤال شماره ۳۴۱۵۵ رجوع فرمایید. عرایضی در سؤال و جواب‌های رفا شده است که می‌تواند نسبت به سؤالات جنابعالی راه‌گشا باشد. بخصوص جواب سؤال شماره ۳۴۰۹۰. موفق باشید